خبر

عکس روایتگر لحظه‌های ناب زیارت



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است: عکس می‌تواند لحظه‌های ناب زیارت را روایت کند و فضای مجازی بستری است که می‌توان این لحظه‌ها را با دیگران به اشتراک گذاشت. به گزارش هنرآنلاین، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با روابط عمومی جشنواره عکس تلفن همراه «هشت» با موضوع زیارت، درباره مقوله زیارت و وجوه مختلف آن اظهار داشت: زیارت با لحظه‌های نابی همراه است که در زندگی انسان وجود دارد. این لحظه‌ها که از روح برمی‌خیزد و بر جان می‌نشیند و در تن نمای آن پدیدار می‌شود، لحظه‌هایی است که می‌تواند برای دیگران هم تأثیرگذار و افق‌برانگیز باشد. وی اظهار داشت: عکس می‌تواند این لحظه‌های ناب را روایت کند و با دیگران به اشتراک بگذارد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ضرورت تولید محتوای رضوی در فضای مجازی پرداخت و ادامه داد: به نظر می‌آید فضای مجازی بستری است که می‌تواند برای تصویرسازی و تصویردهی از لحظه‌های ناب زیارت به کمک بیاید. وی اظهار داشت: لحظه‌های ناب زیارت ممکن است ابتدا شخصی باشد اما وقتی در یک اشتراک عمومی قرار می‌گیرد، برای دیگران هم فرصتی فراهم می‌سازد تا چنین لحظه‌های نابی را تجربه کنند. صالحی در پایان خاطرنشان کرد: هر مقدار که بتوانیم این لحظه‌های ناب را درست روایت کنیم، کمک می‌کنیم به اینکه بتوانیم لحظه‌های ناب را هم به وجود بیاوریم.

ژیلا دژم و زبان بی‌زبانی



تازه ترین آثار ژیلا دژم ـ عکاس ـ با نام «زبان بی‌زبانی» در گالری ایده به تماشا گذارده شد به گزارش روابط عمومی گالری ایده، ژیلا دژم جدیدترین آثار خود را که با موضوع زنان جوان جامعه است در گالری ایده به نمایش درآورده است، در این نمایشگاه ۱۵ اثر از این هنرمند به نمایش درآمده که جریان سیر فرهنگی در جامعه را نشان می‌دهد. این هنرمند عکاس برگزاری نمایشگاه «زبان بی‌زبانی» را حاصل تجربیات سال‌های زندگی خود می‌داند و در این باره گفت: نمایشگاه زبان بی‌زبانی حاصل ۶۵ سال تجربه من است که سعی داشته‌ام بیان کنم. موضوع این نمایشگاه زنان جوان هستند در واقع نگاه من در این عکس‌ها به نوعی ادامه نمایشگاه قبلی من بود که در سال ۹۰ برگزار کردم. به نظر من ایده اجرای این نمایشگاه حاصل زندگی من در ۶۰ سال گذشته است که من آن را طی چند ماه عکاسی کردم. این هنرمند دلیل انتخاب این ایده را توجه به سیر فرهنگی جامعه دانست و بیان کرد: در این نمایشگاه من سعی داشتم که زن و فرهنگ ایرانی را تصویر کنم زیرا این سیر فرهنگی در شرایط مختلف دچار تغییراتی شده است که البته به واسطه داشتن ریشه و عمق تاریخی، نوعی اصالت را حفظ کرده است. دژم درباره مدت زمان اجرای آثار این نمایشگاه گفت: فکر کردن بر روی ایده اثر و اندیشیدن درباره آن برای من بیشترین پروسه زمانی است کما اینکه در مورد نمایشگاه قبلی نیز سه سال فکر کردن درباره ایده‌ام به طول انجامید. او ادامه داد: در مورد نمایشگاه «زبان بی‌زبانی» نیز سال‌ها به ایده آن اندیشیدم و حتی قبل از آن نیز تحقیقی درباره مدل موی زنان ایرانی از دوران باستان تا قاجار را انجام دادم تا بدانم که در فرهنگ و گذشته هویتی ما چه اتفاقاتی رخ داده است. دژم افزود: در این نمایشگاه ۱۵ عکس در ابعاد ۱۰۰ در ۷۰ به نمایش گذاشته شده که در برخی از آن‌ها فتوشاپ برای ویرایش کارها استفاده شده است؛ البته این بدان معنا نیست که عکس‌ها با استفاده از فتوشاپ ترکیب تزئینی یافته‌اند بلکه نگاه اصلی من بر روی مفاهیم کارها بوده است.

بازتولید یک پاپ آرتیست

PDF Compressor Free Version

نقدی بر «نمایشگاه قاجار» که مجموعه ای از آثار قاسم حاجی زاده را دربر دارد



نرگس جهانبخش

با یک توضیح مقدماتی از پاپ آرت شروع کنیم که از دهه ۱۹۵۰ در ادبیات، ظهور تلویزیون و در نقاشی آغاز شد.

در نقاشی در مقابل آبستره این موج هنری به راه افتاد. هنرمندان پاپ آرت تصور می کردند که کلیه هنرمندان مدرن از ابتدای قرن، با دنیای خارج و واقعیت‌های عینی زمانه خویش بیگانه شده‌اند و گرفتار درون‌گرایی محض گردیده و با جهانی که در آن زندگی می کنند قطع رابطه نموده‌اند. در نتیجه آثار هنرمندان آبستره برای دیگران به خصوص مردم عادی نامفهوم و بی معنی دانسته اند. در نقاشی پاپ، به وجوه مادی و معنوی جامعه توجه خاص می‌شود و با پرداختن به جنبه های مثبت و منفی که دامنگیر انسان معاصر، خصوصا جامعه غربی است، عملا تبلیغ و یا انتقاد با هم انجام می گیرد.

نقاشان معروف پاپ ارت همچون روی لیختن اشتاین، جیمز روزنکیست، تام وسلمن، اندی وارهول با انتخاب عکس افراد معروف جامعه در زمینه های سیاسی، اجتماعی، هنری و ... را انتخاب می کردند و معمولا با تکنیک چاپ در حالت های مختلف سایه روشن های متفاوت و رنگ بندی متفاوت تکثیر می نمودند. قاسم حاجی زاده که در آغاز راه خود در سبک آبستره فعالیت می کرد خیلی زود به پاپ آرت روی آورد.

او بر اساس عکس‌های موجود از رامشگران قاجاری، شادروان‌های عصا قورت داده، ژیگولوهای از مدافتاده، قربانیان صفحه حوادث روزنامه، هنرپیشگان محبوب و قاتلان نامحبوب و ورزشکاران و عشاق آثارش را می کشید. پس اولین گام حاجی زاده که از سال ۱۳۹۲ به این سو ارزش آثارش بالای ۱۰۰ میلیون تومان رفت توجه به شخصیت‌های مشهورتر عامه مردم بود. کسانی که برای مردم شناخته شده بودند یا حداقل عکسشان دیده شده بود.

ملموس بودن آدم‌ها مهمترین مولفه نقاشی‌های او را تشکیل می‌دهد. شوخ طبعی حاجی زاده به طور معمول سوژه را در موقعیتی نابه‌جا یا غیر واقعی قرار می‌داد و بر آن بود تا مناسبات روزمره را یک بار دیگر از طریق تلفیق زوایای عکس-نقاشی، باز آفرینند و این امر بیش از آن که حاصل داوری عاطفی یا اندیشگی نقاشی باشد، ثبت وقایع و مردمان روزگار حالا کهن‌تر در بی‌معنایی عنصر درزمانی بود. ما به تاریخ گفتمانی آثار او اگر نگاه کنیم هیچ حس نوستالژی برای ما ندارد و قرار نیست هم داشته باشد. در اغلب موارد با تصاویر خام‌دستانه و ساده‌ای طرف هستیم که فضایی طنزآمیز از پارادوکس میان اجزای تصویر به وجود آورده است. زبان شخصی حاجی‌زاده در نقاشی پاپ آرت، فضایی ملموس و گرم در این آثار به وجود آورده است و مخاطب می‌تواند ارتباطی صمیمانه با آن‌ها برقرار کند.

یادم می‌آید در جایی خوانده بودم حاجی‌زاده نگاه مردم‌نگارانه‌ای دارد و یک نوع نگاه پژوهشی به مردمان و فرهنگ قاجار یا پهلوی دارد که از اساس با آن مشکل دارم. به کل پاپ آرت هیچ رسالت انسان شناسانه‌ای ندارد جز نقب زدن به ما و فرهنگ عامه و نوعی توجه به مصرف گرایی که در پیرامون مردم است به جای پرداختن به مفاهیم پرزرق و برق و مفهومانه که در دلالت‌های ضمنی مستتر است.

البته که عمرش هم سر آمده و کمتر هم‌چون گذشته با پاپ آرت و فرهنگ عامه طرف هستیم و بیشتر نوعی نگاه انتقادی جای آن را گرفته است.

به خصوص اگر به آثار حاجی زاده در همین نمایشگاه قاجار نگاه کنیم هیچ نگره فرهنگی جز تکرار مولفه‌ها، فیگورها، رنگ‌ها و راحتی کاراکترها مشاهده نمی کنیم. حاجی زاده قرار نیست نه ما را با فرهنگ قاجار آشنا کند، نه نوع پوشش و نه اینکه روابط این مردمان در دل آثارش چگونه است. در این مورد مطالعات علوم انسانی به دنبال روزنه‌ای از شناخت می گردد و به نظر می‌رسد با عدم شناخت پاپ آرت و سبک هنرمند چنین برداشتی انجام شده است.

اولین گام حاجی زاده که از سال ۱۳۹۲ به این سو ارزش آثارش را به بالای ۱۰۰ میلیون تومان رساند توجه به شخصیت‌های مشهورتر عامه مردم بود. ملموس بودن آدم‌ها مهمترین مولفه نقاشی‌های او را تشکیل می‌دهد

هر چه در نمایشگاه قاجار در گالری ماه غور کنیم متوجه می‌شویم حاجی زاده مسئله‌های نویی را برای ما مطرح نکرده است. قاجار با فاصله‌ای یک سده‌ای با ما مسئله روزی را مطرح نمی کند جز این که در روابط افراد در دل جامعه قاجار یک نوع سادگی و راحتی را مشاهده می کنیم که امروز در میان ما نیست. مشکلات اقتصادی و اجتماعی که در حال حاضر با آن دست به گریبان هستیم فاصله‌ای عمیق از این زندگی یک یا دو سده گذشته ایجاد کرده است.

هنرمندی چون حاجی زاده که انتظار می‌رود در تجربه و تکنیک بیش از گذشته خود را تکرار نکند متأسفانه اسیر بازتولید شده است. با گذر زمان پاپ آرت ویژگی‌های متفاوتی پیدا کرده است و حتی سبب ظهور پست پاپ آرت در دهه ۱۹۹۰ شد تا اینکه در حال حاضر پخته‌ترین آثار در این زمینه را مشاهده کنیم چیزی که قریب به نیم قرن در آثار حاجی زاده مشاهده می کنیم حرف جدیدی چه در فرم و چه محتوا ندارد.

آکادمی هنر

تاملی بر ضرورت اصلاح ساختار آموزش هنر در ایران

تقلید، ترکیب، تبدیل



شهرام زعفرانلو، پژوهشگر و مدرس زیبایی‌شناسی هنر

چطور می‌توان با یک تابلوی نقاشی ارتباط برقرار کرد؟ چطور می‌توان اجزاء آن را به تفکیک بازشناخت و ویژگی‌های هر یک را در تعامل با دیگری به دست آورد؟ چگونه می‌توان با تجزیه و تحلیل نقاشی، روند آفرینش خلاقانه آن را درک کرد؟ چگونه می‌توان به نحوه شکل گیری سبک‌ها و نحله‌های هنر نقاشی پی برد؟ و در نهایت چگونه بیاموزیم که ایده‌ها و احساسات و اندیشه‌های مان را که در واقع اموری انتزاعی است به تجسم درآورده و از آنها اثری هنرمندانه بیافرینیم؟

همه این سوالات، دغدغه واقعی هنرجویان و علاقمندان هنر نقاشی و حتی سایر هنرهاست. اما به دلیل درک کمبودهای موجود در ساختارهای آموزشی هنر، بیشتر هنرجویان نقاشی اغلب از بیان و ابراز آن خودداری کرده و به وضعیت موجود قانع می‌شوند و در سطح آموزش فنون و مهارت‌های تکنیکی باقی می‌مانند. از همین روست که از اینگونه هنرجویان دیگر نمی‌توان انتظاری ورای تقلیدهای عامیانه و نسخه‌برداری‌های سطحی از سایر آثار داشت.

متاسفانه عدم اهتمام سیستم آموزشی مدارس کشور به هنر و به ویژه اصول هنر نقاشی در هر سبک و سیاقی، کودکان و نوجوانان را در سنینی که آمادگی رشد و شکوفایی هنرآموزی و هنرآفرینی در آنها بیش از سایر سنین است ناامید و سرخورده ساخته و در کنار آن باعث می‌شود که علاقمندان این عرصه خارج از دایره نظام آموزش رسمی و استاندارد برای یادگیری به اساتید و آموزشگاه‌هایی پناه ببرند که در بیشتر موارد واجد بضاعتی در حد آموزش تکنیک و فن نقاشی بوده و به دلیل نداشتن مطالعات عمیق جانبی در زمینه‌های تاریخ تحلیلی هنر و یا فلسفه هنر و ... نمی‌توانند هنرجویان را به سمت ایده‌یابی و یا خلاقیت‌های سبکی رهنمون شوند.

در این بین نارسایی رسانه‌های دیداری، به ویژه تلویزیون و پس از آن سینما، در تولید و ارائه آثاری هنرمندانه با ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و تاثیرگذار بصری، ذائقه عموم جامعه را در حد پذیرش تصاویر تبلیغاتی سطحی تقلیل داده و سلایق را از هرگونه دانش بصری مبرا ساخته است. این‌ها را می‌توان در مبلمان شهری و حتی پوشش عمومی مردم که در بیشتر موارد عاری از رنگ‌ها و تناسب‌ها و یا کنتراست‌های دیداری ست، مشاهده کرد. تحلیل نقاشی و یا به طور کلی هنرهای تجسمی با هدف ارتقاء سواد و درک بصری جامعه در کنار نقد آثار متاخر هنرمندان برای درک نسبی از ماهیت یک اثر و بهره‌گیری از شیوه‌ها و متدهای به کار رفته در مسیر آفرینش، هر هنرجو و هنرمندی را کمک خواهد کرد تا بیش از گرته‌برداری و تقلید به «ترکیب» و «تبدیل» فکر کند. ترکیب شیوه‌ها برای دستیابی به فرم‌های نوین و تبدیل امکانات و ابزارهای هنرهای تجسمی به آثاری ماندگار و موثر. دلواپسی و نگرانی به همراه جدیت در مطالعه و تحقیق برای یافتن راه‌هایی جهت پر کردن خلاءها و رفع نارسایی‌های آموزش هنر نقاشی، به همراه بررسی و پژوهش در زمینه خلق و تولید آثار معاصر و قیاس آن با سایر جوامع در کنار بازنگری در شیوه‌های آموزشی و پرورشی هنر، در گام نخست مدرسان را برای ارائه راهکارهای نوین تعلیم و پرورش هنرجو متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی ملزم کرده و در مرحله بعد دانشجویان و هنرپویان را به تکاپو و کسب و تعلم ماهیت هنر ترغیب خواهد کرد.

نگاهی به سقاتالارهای شمال ایران و اهمیت آنها

فرهنگ به روایت نقاشی



هلیا سلمانی، نقاش و مدرس دانشگاه

سقاتالار درواقع به سازه چوبی کوچکی اطلاق می شود که بنای مقدس و باستانی شبیه به یک آلاچیق بلند است و گونه ای معماری آیینی اند که به پیروی از معماری بومی شمال ایران طی سده های پیشین در حریم امامزاده ها، تکایا و گورستان ها ساخته شده اند. درواقع سقاتالار یک اطاق دو طبقه نسبتا بزرگ است که با چوب های مرغوب تراشیده شده و از معماری جالبی برخوردار است که در آن تمام هنر و استادی سازنده به نمایش گذاشته شده و انسان را یاد معابد بودایی در چین و تبت می اندازد.

معروفترین این بنا کیجاتکیه بابل بوده که سرشار از نقوش پیامبران ، واقعه کربلا ،جهان آخرت ، نقوش اساطیری ، داستان های عامیانه محلی و غیره است. همچنین موضوع شماری از نقوش سقاتالارها ، از متون کهن پارسی انتخاب شده که از آن میان می توان به شاهنامه فردوسی و منظومه های لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نظامی اشاره کرد . در این مقال به سلسله نقوشی می پردازیم که مضامینی حماسی و افسانه ای دارند.

بسیاری از مردم عادی شاهکار بی بدیل فردوسی - شاهنامه - را با نام رستم می شناسند . او نماد پهلوانی است و در بین توده مردم با قدرت افسانه ای و میهن دوستی و جوانمردی نیز عجین گشته است . تصویر رستم در سقاتالارها عموما در حال مبارزه با دیوها خاصه دیو سپید مازندران به تصویر در آمده است . گاه رخش در کنارش ایستاده و گاه نیز او را در حال نبرد با اژدها می بینیم .

از دیگر موضوعات به کار رفته در نقوش سقاتالارها ، نبرد گرد آفرید با سهراب است . شیر زنی که چشمی چون گوزن و ابروهایی چون کمان دارد . آن گاه که غرورش جریحه دار گردد به میدان می رود و با دلاوران نیزه بازی می کند و این جسارت و آزادگی اش آدمی را به یاد دختران جسور و آزاده روستاهای شمال کشور می اندازد. علاوه بر شاهنامه فردوسی، در نقاشی سقاتالارها از دیگر متون کهن ادب پارسی نیز استفاده شده است . داستان های جذاب و عاشقانه نظامی یعنی خسرو و شیرین ، شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون از این دست هستند.

اساسا منظومه ها بعد از آثار حماسی از دیگر سبک های آثار ادبی است که در فرهنگ عامیانه بسیار مقبول افتاده و داستان هایی از آنها ورد زبان ها شده است. در سقاتالارها چندین نقش از فرهاد به چشم می خورد که در حال کوه کنی است و شیرین هم به فاصله ای کوتاه در کنار او ایستاده است.

نقش دیگر تصویر مجنون است. او با بدنی لاغر و نحیف زیر درخت بیدی نشسته است . مجنون در این نقاشی ها از چنان آرامشی لبریز است که بیشتر به یک عارف معتکف شباهت دارد که به اطرافش هیچ توجهی ندارد.

واقعیت این است که افسانه های عامیانه آیینه تمام نمای تجربه های زندگی ، سنت ها و رفتارهای مردم در درازای تاریخ هستند . گرچه امروز افسانه ها را خیالی می پنداریم اما روزگاری آنها بخشی از باورهای حقیقی انسان ها و بازتابی از همسانی ها و ناهمسانی های فرهنگی مردم در تمام دوره های تاریخ بوده اند. از این رو حفظ و مرمت این سقاتالارها که حقیقتا راوی فرهنگ کهن این مرز و بوم آن هم در قالب هنر نقاشی و معماری هستند امری ست مهم و واجب.